

یکصد و ده
مسئله از مسائل حج

مطابق با فتاویٰ مرجع عالیستاد

حضرت آية الله العظمى صانعي



پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی
دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹
۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰
نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ الی ۶۶۵۶۴۰۰۱
نشانی: خیابان کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲
نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰
نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴
نمابر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰
نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

پاسخگویی به مسائل حج

تلفن: ۷۸۳۱۶۶۰ - ۲
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

اینترنت: www.saanei.org

Istifta @ saanei.org
Saanei @ saanei.org
۳۰۰۰۷۹۶۰

پاسخ به استفتائات
تماس با دفتر معظم له
شماره پیام کوتاه:

حضرت آية الله العظمى صانعی (مد ظله العالی):

حج، پایگاه و جایگاه ابراهیم بت شکن، اسماعیل
تسلیم، هاجر فداکار، محمد، علی و فاطمه زهرا
(صلوات الله علیهم) است و حاجی برگرد خانه ای
می گردد و به کسی لبیک می گوید که می خواهد
لباس منیت و خود خواهی را از تن بیرون کند و
چون اسماعیل، با معرفت بر سعی صفا و مروه روی
آورد.

حضرت آية الله العظمى صانعی (مد ظله العالی):

حج، میراث بزرگ ابراهیم و محمد ﷺ است که
به همه خدا جوین می فهماند که اگر می خواهی به
مفهوم واقعی کلمه «آدم» باشی به سوی ما بیا و از
خودت فاصله بگیر و خدایی شو.

حضرت آية الله العظمى صانعی (مد ظله العالی):

وقتی در مدینه راه می روی، هنوز بوی پیامبر و
علی و فاطمه (علیهم و علی آلهم السلام) را استشمام
می کنی. غربت بقیع و مظلومیت خاندان رسول
گرامی اسلام دیدگانت را پر از اشک می سازد.

حضرت آية الله العظمى صانعی (مد ظله العالی):

مدینه و بقیع تمام هویت ماست و ما با آن زندگی
می کنیم و دوست داریم بر آن همه غربت و
مظلومیت و ظلم و ستم بنی امیه و بنی عباس و همه
ستمگران فریاد بر آوریم، اما نمی توانیم، بغضمان
می ترکد و آهسته سرشک اشک از گونه هایمان
جاری می گردد و به نیایش می پردازیم.

حضرت آية الله العظمى صانعى (مد ظله العالى):

حج، طنين رسای لبيک بندگی خداست
که فلسفه عملی آن
زیباترین و عالی ترین مظهر اعلام
«کرامت انسانی»
به دنیای بشریت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿مسئله ۱﴾ کسانی که بافیش میت و به نیابت از وی به حج می روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز باز بودن راه را دارا باشند، (که آن هم بافیش حج میت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده، چون در استطاعت غیر از مال و سلامتی بدن و بودن وقت، باز بودن راه از طریق مشروع و حلال نیز شرط است، آری، اگر از ناحیه صاحبان فیش و کسانی که فیش را به او داده اند اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جده برای متوفی به او داده باشند، در این صورت نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه بایدهایب بگیرد و اگر خودش برای میت حج به جا آورد، حجش به طور کلی باطل است یعنی نه برای میت صحیح است و نه برای خودش.

﴿مسئله ۲﴾ اگر کسی که خیال می کرده مستطیع نیست، به نیت عمره و حج استحبابی مُحرم شود و اعمال عمره تمتع را انجام دهد بعد در مکه معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت عمره تمتع او خالی از وجه نیست و باید پس از اعمال عمره تمتع به نیت وجوب برای اعمال حج تمتع مُحرم گردد، کما اینکه اگر بعد از فراغت از اعمال حج تمتع هم متوجه شود که مستطیع بوده، حجش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می باشد.

﴿ مسئله ۳ ﴾ کسی که هزینه سفر حج را ندارد اگر بتواند با قرض نمودن حج بجا آورد لازم نیست قرض نماید، ولی اگر قرض کند در صورتی که قرض نمودن برای او هیچ گونه منت و مؤنه‌ای نداشته باشد و بتواند به سهولت قرض را اداء کند مستطیع می‌شود و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

﴿ مسئله ۴ ﴾ در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد، آری، اگر رفتنش به حج، باعث حرج و مشقت در زندگی می‌شود، حج برای او واجب نمی‌باشد، و در حج مستحبی اگر منافات با حق استمتاع شوهر باشد باید با اجازه شوهر باشد.

﴿ مسئله ۵ ﴾ نایب در طواف نساء باید مانند بقیة اعمال، به قصد منوب عنه آن را بیاورد و اگر طواف نساء را نیاورد یا صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی‌شود.

﴿ مسئله ۶ ﴾ برای کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده‌اند و بعد از قبول نیابت و عقد اجاره، در موقع اعمال یا قبل از مُحرم شدن در جایی که فسخ عقد اجاره موجب ضرر معتدبه به مستأجر باشد (اگر او بخواهد ضرر را جبران نماید و اجیر برگردد و عمل را تمام ننماید)، و یا موجب ضرر معتدبه به اجیر باشد (اگر او بخواهد جبران کند و عمل را تمام نکند و نیاورد)، جزو معذورین شده‌اند صحت نیابت و کفایت از حج منوب عنه به حکم لا ضرر و به حکم «کَلَّمَاعْلَبَ اللّٰهُ عَلَیْهِ فَهُوَ اَوْ لَیْ بِالْعَدْرِ» خالی از وجفی باشد، اما اگر قبل

از آن باشد اجاره خود به خود به خاطر عدم قدرت اجیر بر انجام وظیفه منوب عنه که معذور نبوده باطل است و نیابت از بین رفته می باشد.

﴿مسئله ۷﴾ نایب شدن معذور در حج واجب، صحیح نیست ولی نیابت تبرّعی در حج مستحبی مانعی ندارد، چرا که در آن عدم عذر شرط نیست. ولی اگر باب استیجار و نیابت باشد، باید نایب قبل از عقد اجاره، عذر خود را تذکر دهد چون متعارف در اجاره حج، حج کامل و غیر معذور است.

﴿مسئله ۸﴾ نیابت افراد معلول از ناحیه دست یا پا جایز است و مانعی ندارد، آری اگر نداشتن پاسبب گردد که نمازش رانشسته بخواند در نماز طواف احتیاط کند و نایب بگیرد تا او هم نماز طواف را بخواند.

﴿مسئله ۹﴾ شخصی که فقط از راه رفتن معذور است، می تواند نایب شود و با چرخ طواف و سعی را انجام دهد و چنین افرادی از معذورین نمی باشند، چون طواف و سعی با چرخ، با قدرت بر راه رفتن هم صحیح است.

﴿مسئله ۱۰﴾ در حج واجب، نیابت از طرف شخص زنده جایز نیست، مگر اینکه منوب عنه از به جا آوردن اعمال حج عاجز باشد (در صورتی که حج بر منوب عنه مستقر شده باشد)، اما نیابت در حج مستحبی از شخصی که در حال حیات است جایز است و ثواب بسیاری دارد.

﴿مسئله ۱۱﴾ کسانی که استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج استطاعت نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است،

بنابر این، اشخاصی که به عنوان نیابت به حج می روند اگر سال اول آنها باشد، باید بعد از تمام شدن اعمال حج برای خودشان عمره مفرده به جا آورند، چون آنها در آنجا استطاعت عمره مفرده را دارند.

﴿مسئله ۱۲﴾ کودک ممیز که خود محرم شده است، حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می کند و اعمال را انجام می دهد نه آنکه طوافش می دهند و سعی می برند بنابر این در ابتدای طواف سعی و بین سعی و طواف باید بیدار باشد، اما اگر کودک غیر ممیز باشد چنانچه در بین طواف یا سعی بخوابد، مانعی ندارد چون او را طواف و سعی می دهند.

﴿مسئله ۱۳﴾ احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می شود، احرام جایز و صحیح است. بنابر این، احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و محل دست فروشها و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است.

﴿مسئله ۱۴﴾ ادنی الحل میقات عمره مفرده ای است که بعد از حج افراد یا حج قران به جامی آورند، و همه کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره مفرده به جا آورند میقات آنان ادنی الحل است و همچنین میقات کسی است که در حال عبور و رفتن به مکه از مواقیت خمسة معروفه^۱ یا محاذی آنها عبور ننماید، همانند کسانی که از جده

۱. ۱- ذوالحلیفه ۲- جحفه ۳- یلملم ۴- قرن المنازل ۵- عقیق.

می خواهند به مکه بروند و محاذات برایشان محرز نشده باشد (که برای غالب افراد اگر نگوییم برای همه، محرز نمی باشد). میقات اینها ادنی الحل می باشد.

﴿مسئله ۱۵﴾ اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود و حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج از حجة الاسلام او کفایت می کند، ولی اگر در زمانی کشف خلاف شد، که امکان به جا آوردن اعمال عمره تمتع را داشت، واجب است به عمره تمتع عدول کند و بعد از آن حج تمتع که حجة الاسلام اومی باشد، به جا آورد.

﴿مسئله ۱۶﴾ کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و تازمان حج در مکه مانده است، برای احرام عمره تمتع، بنا بر احتیاط باید به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود، هر چند اکتفا به ادنی الحل برای این گونه افراد خالی از قوت نیست، چون مواقیت معروفه میقات کسی است که از آنها یا محاذی آن عبور می کند نه آنکه موضوعیت داشته و شرط صحت باشد.

﴿مسئله ۱۷﴾ شاغلین در جده یا کسانی که از راه جده می خواهند برای عمره تمتع یا عمره مفرده به مکه بروند می توانند از ادنی الحل مثل مسجد تنعیم یا حدیبیه محرم شوند چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می نمایند و همین طور محاذات میقات

نیز میقات برای عبورکننده از آن می باشد و چون جدّه محاذاتش هم معلوم نمی باشد، فلذا احرام از ادنی الحلّ برای آنها کفایت می کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند.

﴿مسئله ۱۸﴾ کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می شود اگر احرامش در ماههای حج^۱ بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع به جا آورد.

﴿مسئله ۱۹﴾ پس از انجام عمره تمتع مطلوب است که انسان برای اعمال حج تمتع در مکه بماند، پس اگر ضرورت و حاجتی نباشد بیرون رفتن اولی و احوط است. آری، در زمانی که می ترسد اگر بیرون برود به حج تمتع و وقوف اختیاری عرفه نمی رسد، نباید بیرون برود.

﴿مسئله ۲۰﴾ بعد از اتمام حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و قبل از آنکه یک ماه از خروجش بگذرد بخواهد مجدداً مراجعت کند، لازم نیست محرم شود، بنابراین، می تواند بدون احرام داخل حرم شود. کما اینکه می تواند به قصد عمره مفرده هم محرم شود، و در صورت گذشت یک ماه از خروجش از مکه در صورت ورود به حرم و مکه لازم است که با احرام عمره مفرده وارد حرم شود.

﴿مسئله ۲۱﴾ آنچه در لباس نمازگزار شرط است در لباس های احرام نیز شرط است، بنابراین احرام در لباس حریر و لباسی که از

۱. ماههای حج عبارت اند از: شوال، ذی قعدة، ذی حجة.

اجزای حیوان حرام گوشت است، کفایت نمی‌کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب، طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از در هم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب) اجتناب کند.

﴿مسئله ۲۲﴾ گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با کش یا وسیله دیگر به احرام ضرر نمی‌رساند، و احوط ترک وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنهاست چون دوخته شده نمی‌باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

﴿مسئله ۲۳﴾ مستحب است پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و غسل احرام بلکه تمام اغسال مستحب و واجب، از وضو کفایت می‌کند. و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده نماید. کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و محرم شدن، غسلش را حفظ نماید.

﴿مسئله ۲۴﴾ در نیت عمره تمتع نه‌خطور به‌قلب لازم است و نه به زبان آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و

انجام وظیفه دینی، کافی است، و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت عمره تمتع مانند به زبان آوردن نیت حج تمتع و حج افراد و قرآن مستحب می باشد، بلکه گفته شده به زبان آوردن نیت در تک تک اعمال آنها هم مستحب است.

﴿مسئله ۲۵﴾ صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، و اگر به این مقدار اکتفا کند، محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

﴿مسئله ۲۶﴾ کشتن ملخ در حال احرام، حرام است و مواظبت نمودن به طوری که زیر دست و پاکشسته نشود، واجب است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که پنجاه گرم طعام که تقریباً یک مُشت می شود، صدقه بدهد. و همچنین کشتن مگس و مورچه در حال احرام حرام است مگر آنکه موجب اذیت و آزار باشند که برای جلوگیری از اذیت به قدر حاجت و ضرورت مانعی ندارد.

﴿مسئله ۲۷﴾ اگر بدن یا لباس محرم به چیزهای خوشبو اصابت کند، باید بوی خوش را از آن باشتن برطرف نماید، یا لباس احرام را عوض کند؛ همچنین محرم از صابون، شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر دندان که دارای بوی خوش می باشند، باید اجتناب نماید و همچنین استعمال چیزهای خوشبو مانند مشک، زعفران و عود، بر محرم حرام است، به خوردن باشد یا بوئیدن. ولی خوردن نعنا و سایر

سبزیهای خوشبو مانعی ندارد و اگر کسی حس بویایی ندارد و یا احساس بویی نمی‌کند استعمال طیب نیز بر او حرام است.

﴿مسئله ۲۸﴾ بر محرم حرام است سرمه کشیدن به سرمه سیاهی که معمولاً برای زینت استعمال می‌شود هر چند قصد زینت نکند و اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، جایز است از سرمه‌هایی که در آنها چیزهای خوشبو به کار نرفته است استفاده نمایند و اگر بوی خوش داشته باشد گرچه زینت هم نباشد از باب استفاده از بوی خوش بنابر اقوی حرام است و بنابر اقوی کفاره هم دارد.

﴿مسئله ۲۹﴾ مالیدن هر نوع کرم به بدن در حکم مالیدن روغن به بدن است که بدون ضرورت و نیاز طبی بر محرم حرام است، اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

﴿مسئله ۳۰﴾ تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن می‌شود، حرام است؛ مگر در مورد حاجت و ضرورت. و همچنین خون گرفتن از بدن با سرنگ در حال احرام اگر ضرورت اقتضا کند مانعی ندارد و مسواک نمودن در حال احرام اگر بداند سبب بیرون آمدن خون از لثه‌ها نیز می‌گردد، حرام است.

﴿مسئله ۳۱﴾ بر محرم لازم است که از مطلق لباس دوخته هر چند کم باشد، اجتناب کند، اما کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آنها اگر دوخته باشند، اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی‌کند ولی احتیاط استحبابی در ترک است.

﴿مسئله ۳۲﴾ جایز است محرم هنگام خوابیدن، از پتو یا روانداز

دوخته استفاده کند، هر چند روی پاهای او را هم بپوشاند، چون صدق بُس نمی‌کند ولی سر خود را نباید بپوشاند.

﴿مسئله ۳۳﴾ کسانی که از ناحیه پا معلول هستند و دارای پای مصنوعی می‌باشند و ناچار از پوشیدن جوراب یا پارچه می‌باشند پوشیدن آن مانعی ندارد چون پای مصنوعی حکم پای طبیعی را ندارد بنابراین پوشیدن جوراب خاص برای جانبازان و یا افراد دیگر که پایشان قطع شده برای قسمت قطع شده مانعی ندارد.

﴿س ۳۴﴾ اینکه مرد نباید در حال احرام سر خود را بپوشاند، آیا این حرمت، شامل کلاه گیس که نمی‌تواند از سر خود بردارد نیز می‌شود؟

ج - شمول ادله حرمت پوشاندن سر مرد در حال احرام، در چنین مواردی که کلاه گیس را برای پوشانیدن به سر نگذاشته و عرف هم آن را پوشش سر همانند پوشاندن با حنا و دوا نمی‌داند بلکه آن را موی سر مصنوعی می‌داند، مشکل، بلکه ممنوع است، لیکن احتیاط واجب در دادن یک گوسفند به عنوان کفاره است.

﴿مسئله ۳۵﴾ در شب، استظلال نیست، بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه یا جای دیگر برود و هوای ابری در روز حکم آفتابی بودن را دارد نه حکم شب. و بنا بر احتیاط واجب، محرم بلی رفتن به رمی جمرات یا کشتارگاه یا در خود عرفات از چتر و امثال آن استفاده نکند.

﴿مسئله ۳۶﴾ بعد از آنکه مُحْرَم به منزل رسید - ولو در محلّه‌های جدید مکه که از مسجد الحرام دور هستند - بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند در روز برای رفتن به مسجد الحرام در ماشینهای سقف‌دار سوار شود، یا زیر سایه برود. و اگر پیاده روی برای آنها مختصر صدمه‌ای داشته باشد که معمولاً نیز چنین است و تهیّه ماشین بی سقف هم مشکل باشد، به حکم سهولت و نفی حَرَج، رفتن با ماشین سقف‌دار، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب، یک‌گوسفند کفاره بدهد، و ناگفته نماند که این‌گوسفند را می‌توان بعد از برگشتن به وطن ذبح نمود.

﴿س ۳۷﴾ استفاده از ماسک‌هایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده و امراض مختلف به دهان می‌زنند، و بند آن را پشت سر می‌اندازند که بخش کوچکی از سر را می‌پوشاند، برای مردان و زنان مُحْرَم چه حکمی دارد؟

ج - از حیث ستر رأس برای مردان، مانعی ندارد چون با انداختن بند آن، به پشت سر، صدق ستر نمی‌کند، و امانسبت به جلوگیری از تنفس هوای آلوده در صورتی که جلوگیری از استشمام بوی بدن باشد، مانعی ندارد؛ و امانسبت به زنان چون موجب پوشیده شدن قسمتی از صورت می‌شود، مطلقاً حرام است، ولی در مواقع ضرورت مانعی ندارد و کفاره هم بر او نمی‌باشد.

﴿س ۳۸﴾ شخصی عمره مفرده‌ای را بدون وضو انجام داده دوباره

محرم شده و در اثنای آن متوجه شده که در عمره اول طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است و طیفه او در این صورت چیست؟
ج - احرام او صحیح است ابتدا طواف و نماز عمره سابق را با وضو به جا آورد، سپس اعمال عمره فعلی را انجام دهد.

﴿مسئله ۳۹﴾ طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود، یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیادتر از آن لازم نیست بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد، اشکال ندارد.

﴿مسئله ۴۰﴾ واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند، همچنین می تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد، آری، نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید، و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۴۱﴾ قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون

عذر می باشد، ولی به هر حال اگر قطع نمود و طواف را از سر گرفت مجزی است.

﴿مسئله ۴۲﴾ طواف کننده اگر مرد است و همچنین بچه های ممیز و غیر ممیز در طواف واجب یا مستحب باید مختون (ختنه شده) باشند و این شرط در زنها نیست، ولی اگر بچه ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

﴿س ۴۳﴾ آیا بانوان می توانند برای پیشگیری از عادت ماهانه در ایام حج، از قرص استفاده کنند؟

ج - آری می توانند، چون قطع حیض با معالجه و دارو، حکم پاک بودن طبیعی را دارد.

﴿س ۴۴﴾ آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که با یک غسل هم نمازهای روزانه را به جا آورد و هم طواف و نماز آن را انجام دهد؟

ج مستحاضه کثیره و متوسطه باید علاوه بر اغسال یومیته، یک غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند، یعنی برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

﴿مسئله ۴۵﴾ زنها چه سیده و چه غیر سیده بعد از گذشت پنجاه سال قمری اگر خون حیض نبینند و عادت ماهانه آنها کلاً قطع شود یا خونی که می بینند شک داشته باشند که حیض است یا غیر آن یا نائسه می باشند یعنی خونی که می بینند محکوم به حیض نیست، ولی اگر

خونی که می بینند یقین داشته باشند که همان خون عادت قبل از پنجاه سالگی است تا هر زمانی که یقین دارند همان خون است یائسه نشده اند و باید به وظیفه حائض عمل کنند.

﴿س ۴۶﴾ در طبقات فوقانی مسجد الحرام طواف کردن چه صورتی دارد؟

ج - ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجد الحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف در طبقه پایینی و صحن مسجد الحرام مجزی و صحیح می باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنهاست و محکوم به احکام آنها می باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی بابیت الله الحرام و البیت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت الله است و همان طور که طواف به دور آنها طواف بیت الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت الله در بالا هم طواف بیت الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً تمام می باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در

اصول^۱ بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می باشد و بنا بر این مبناست که تمام احکام مسجد الحرام و مسجد النبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعۀ آنها جاری می باشد، و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار کاشف الغطاء^۲ تأیید می شود که آن فقیه کم نظیر اگر نگوییم بی نظیر در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بشر او سطح فيها - راكباً او ماشياً او مضطجعاً و فی جميع الاحوال - فلا بأس به»^۳، و به نظر می رسد که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانی را نیز مجزی می دانست.

﴿مسئله ۴۷﴾ به نظر این جانب طواف باید دور کعبه و در مسجد الحرام باشد و لازم نیست که بین کعبه و مقام ابراهیم^{علیه السلام} باشد، پس حد طواف مسجد الحرام است، هر چند پشت مقام باشد.

﴿س ۴۸﴾ اشخاصی که قدرت بر طواف ندارند، آیا باید نایب بگیرند یا خودشان سواره طواف نمایند؟

۱. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶، (بحث صحیح و اعم، بحث امر رابع).

۲. کشف الغطاء، مواقیت الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

ج - باید خودشان سواره طواف نمایند، چون طواف سواره در حال اختیار هم صحیح است، چه رسد به حال عدم اختیار. ﴿س ۴۹﴾ موالات میان اشواط طواف و سعی، چگونه به هم می خورد، آیا با خواندن دو رکعت نماز مستحیی یا فعل منافی با طواف، به هم می خورد یا نه؟

ج - خواندن مثل دو رکعت نماز مستحیی که جزء حاجات نمی باشد چه رسد به فعل منافی با طواف، مضرّ به صحت طواف است و جایز نبوده، چون بر خلاف سنت طواف می باشد و قطع نظر از آنکه شاید بتوان به دلیل تأسی عدم جواز آن را اثبات کرد، صحیحۃ حلبی^۱ هم بر آن دلالت روشن دارد، چون مخالفت با سنت در طواف را ابو عبدالله جعفر الصادق علیه السلام در همان صحیحۃ علت بطلان ولزوم اعاده آن دانسته.

﴿س ۵۰﴾ اگر کسی عمداً یا سهواً از دور پنجم یا ششم طواف را رها کند، آیا می تواند آن را از سر بگیرد؟

ج - بلی می تواند آن را از سر بگیرد و به طور کلی هر کجا و در هر شرایطی چه قبل از نصف و چه بعد از آن که بخواهد طواف ناقص یا مشکوک را از سر بگیرد، مانعی ندارد و مجزی است و صحیح می باشد، چون حکم به اتمام و عدم قطع

۱. التهذیب: ۱۱۸/۵، ح ۳۸۶؛ الوسائل: ۳۷۹/۱۳، أبواب الطواف، باب ۴۱، ح ۳.

در مواردی که وارد شده، حکم ترخیصی و ارفاقی می‌باشد نه حکم وجوبی.

﴿س ۵۱﴾ اگر طفل غیر ممیزی که او را طواف می‌دهند، در حال طواف، خودش رانجس کند، آیا فقط طواف طفل باطل است یا طواف پدر هم به علت حمل شیء نجس باطل است؟

ج - نجس کردنش ظاهراً مانع از صحت طواف طفل نیست، چون در طواف طفل به خاطر عدم تمییزش ادلة شرایط معتبره در طواف از او انصراف دارد، مگر آنچه را که طواف دهنده بتواند در حقیقت ولو به نحو صورت ظاهری مثل وضو دادن انجام دهد که رعایت آنها برای طواف دهنده لازم است، و طواف پدر هم به خاطر آنکه محمول متن نجس در طواف معفو عنه است نیز درست می‌باشد.

﴿مسئله ۵۲﴾ واجب است نماز طواف را فوراً و بدون تأخیر پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است و در هر صورت، با تأخیر، اعاده طواف لازم نیست.

﴿مسئله ۵۳﴾ نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن)، و پشت مقام حدّ معینی ندارد، و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است، لیکن هر چه نزدیکتر باشد بهتر و احوط است.

﴿س ۵۴﴾ نماز طواف کسانی که در طبقه فوقانی طواف خود را

انجام داده‌اند چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجد الحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر نباشد)، بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجد الحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است.

﴿مسئله ۵۵﴾ احکامی که برای نماز خواندن مرد و زن با محاذات همدیگر و یا تقدم مرد بر زن در سایر جاها وجود دارد، برای مرد و زنی که در مسجد الحرام نماز می‌خوانند، وجود ندارد و نماز آنها حکم نماز دو مرد و یا دو زن در سایر جاها را دارد و موثقه فضیل^۱ دلیل و حجت بر این استثنای باشد و در این استثنا به حکم اطلاق، فرقی بین نماز طواف و یا نمازهای دیگر از واجب و مستحب نمی‌باشد.

﴿س ۵۶﴾ در مورد کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد، می‌فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمره مفرده مستحبی به جا آورد؟

ج - اشکال ندارد.

﴿مسئله ۵۷﴾ لباسهای ساتر نمازگزار باید مباح باشد و اگر شخصی

۱. الوسائل: ۱۲۶/۵، أبواب مکان المصلی، ب ۵، ج ۱۰.

با عین پولی که خمس یا زکات آن رانداده لباس ساتر بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است، همچنین اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش رانداده، بپردازد.

﴿ مسئله ۵۸ ﴾ سعی باید بین صفا و مروه باشد و اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی و مشی از صفا به مروه و بالعکس (که مورد نص و فتوی است) در هر طبقه ولو بالاتر از کوهها هم باشد، بر آن صدق می کند و صدق در هر طبقه عرفاً تابع سعی در همان طبقه است، و لذا کسی که با هواپیما از شهری به شهر دیگر می رود و بر می گردد گفته می شود که از فلان شهر به شهر دیگر رفت و آمد نموده است، گرچه مسیرش میان آن دو شهر روی زمین نبوده است.

﴿ س ۵۹ ﴾ لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟

ج - آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده ﴿ إِنَّ الصَّعَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ آلَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرٌ فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴾^۱ سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو کوه و بین الجبلین می باشد،

۱. البقرة (۲): ۱۵۸.

پس معیار و مناط مسعی، حسب ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و هست، و به نظر این جانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقدار یک‌هکتار بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه‌ها و رؤیت این جانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقبیس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلائیه و شرعیه بر امتداد می‌باشد و سعی در مسعی جدید سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعضی آنها چه رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. فعلی هذا سعی نمودن در مسعی جدید در تاریخ فعلی یعنی سنه ۱۴۲۸ هجری قمری که در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهیه آن می‌باشند و گفته می‌شود عرضش بقدر مسعی فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام حجت شرعیه بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه‌های

باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی شود چون سعی در آن محل هم باقیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا و المروة است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی شود.

﴿مسئله ۶۰﴾ واجب است فاصله میان دو کوه را طی کنند و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را با سنگ مفروش کرده اند و تنها قسمتی از کوه نمایان است و لازم نیست به قسمت بالای سرایشی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سر بالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد، کفایت می کند و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد.

﴿مسئله ۶۱﴾ اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کند، و یا گمان کند در محل هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که عادی طی کرده بود، با هروله تکرار کند به سعی او ضرری نمی زند، چون زیاده عمدیه نمی باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سر گرفتن آن مطلوب است.

﴿س ۶۲﴾ آیا در سعی موالات واجب است؟ و آیا می تواند سعی را قطع کند و از سر بگیرد؟

ج - موالات واجب نمی باشد، لیکن فاصله زیاد انداختن بین اشواط مطلوب نیست و قطع سعی و از سرگیری آن اشکال ندارد.

﴿س ۶۳﴾ در فتوای فقها استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به جا آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده اند. آیا از این مورد می توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

ج - از بعضی روایات استحباب نفسی سعی استفاده می شود مثل آنچه صحیحاً روایت کرده محمد بن قیس از ابی جعفر (علیه السلام) قال: «قال رسول الله ﷺ لرجل من الانصار إذا سعيت بين الصفا والمروة كان لك عند الله اجر من حج ماشياً من بلاده»^۱، پس در اینکه حضرت ثواب سعی را معادل با حج پیاده از شهرش برای سعی کننده قرار داده شهادت است بر اینکه سعی ثواب مستقلی دارد و الاً قرار دادن ثواب جزء معادل ثواب کل مناسب نبود.

﴿س ۶۴﴾ وظیفه افراد معذوری که نمی گذارند در طبقه اول با چرخ سعی کنند چیست؟

ج - اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه برای تمام افراد اعم از معذور و غیر معذور جایز

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۷۱، کتاب الحج، أبواب السعی، باب ۱، حدیث ۱۵.

است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است صدق می‌کند. و لازم به ذکر است که جایز است شخص سواره - مثلاً با ویلچر - سعی کند، چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن پیاده سعی کردن، افضل است.

﴿مسئله ۶۵﴾ پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند، بلکه می‌تواند آن را به تأخیر اندازد، کما اینکه می‌توان در منزل یا جای دیگر تقصیر نمود و اولی و احوط تقصیر در مروه است، ولی به هر حال باید پیش از احرام حج، تقصیر را انجام داد که احرام داخل در احرام نشود.

﴿مسئله ۶۶﴾ در تقصیر لازم نیست که انسان خودش تقصیر نماید، بلکه اگر دیگری هم گرچه غیر شیعه باشد و برایش تقصیر کند، و خودش نیت تقصیر و قصد قربت نماید، کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۶۷﴾ خدمه کاروانها و یا افراد دیگر پس از انجام عمره تمتع می‌توانند بدون احرام حج، برای دیدن چادرها و کارهای دیگر از مکه خارج شوند و به منی و عرفات بروند، گرچه احتیاط مستحب در خارج شدن با احرام حج تمتع است، و ناگفته نماند که حتی بنا بر قول به عدم جواز خروج آنها بدون احرام برای حج، اگر بدون احرام رفتند به حجتشان ضرری نمی‌زند.

﴿مسئله ۶۸﴾ در عرفات و مشعر الحرام برای مشخص کردن محدوده‌های آن علایمی نصب کرده‌اند که اعتماد به آنها جایز است، چون از روی حساب و شناخت و بررسی تعیین شده که اگر اعتماد و اطمینان به آنها، زیاده‌تر از گفته مردم که در روایات، اکتفای به آن تجویز شده نباشد، کمتر نخواهد بود.

﴿مسئله ۶۹﴾ برای کسانی که معذورند جایز است مقداری از شب را در مشعر الحرام توقف کنند و سپس به منی کوچ کنند (مانند زنها و بیماران و پیر مردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه معذورین باشند)، لیکن احتیاط مستحب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین، برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست.

﴿مسئله ۷۰﴾ ترتیب در اعمال منی در روز عید یعنی تقدیم رمی جمره عقبه بر ذبح و تقدیم ذبح بر حلق یک امر مستحب است، بنابراین، می توان ذبح را حتی بر رمی جمره هم مقدم داشت چه رسد به حلق.

﴿مسئله ۷۱﴾ بیرون آمدن از احرام نسبت به محرماتی که در منی با حلق (یا تقصیر) محقق می شود، منوط و مشروط است به اتیان و انجام رمی و حلق (یا تقصیر)، پس هر زمان آن دو عمل انجام گرفت از احرام در آنجا خارج شده و می تواند مثلاً لباس مخیط بپوشد، هرچند هنوز ذبح انجام نگرفته باشد. پس مُحَلّ شدن در منی همان طور که ظاهر نصوص و عبارات اصحاب می باشد، مشروط به رمی و حلق (یا تقصیر) است نه مشروط به آنها و به ذبح، و ناگفته نماند که مسئله عدم وجوب ترتیب که در مسئله قبل بیان شد، غیر از مسئله مُحَلّ شدن و اشتراطش به رمی و حلق است.

﴿مسئله ۷۲﴾ کسانی که عذر دارند از اینکه در روز رمی کنند، مانند اشخاص بیمار، می توانند در شب رمی کنند، و هر وقت شب که باشد

مانعی ندارد، و معذورین، مانند زنان و پیر مردان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده اند نیز جایز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند.

﴿مسئله ۷۳﴾ در طبقات فوقانی جمرات، رمی جایز است و لازم نیست حتماً در طبقه اول رمی نمایند.

﴿مسئله ۷۴﴾ مراد از جمره آن بنای مخصوص است و واجب است که سنگها به جمره اصابت کند و اگر به آن جمره اصابت نکند، کفایت نمی کند.

﴿س ۷۵﴾ اگر جمرات یا یکی از آنها را تعمیر کنند به طوری که به قسمتی از جمره اضافاتی شده باشد، وظیفه حاجی چیست؟

ج - رمی بر آنها کفایت می کند و فرقی بین آن گونه اضافه ها و اضافه عمودی وجود ندارد، چرا که در روایات به خصوصیات علامت از جهت طول و عرض اشاره ای نشده، بنابراین، اصل برائت از خصوصیت و محدودیت علامت جاری و محکم است، بعلاوه از آنکه به نظر می رسد متفاهم عرفی به مناسبت حکم و موضوع و خصوصیتی که در رمی معتبر شده، جمرات به عنوان رمی و محل ضرب است و به منزله نشانه ای در رمی می باشد، مضافاً به آنکه یقیناً از زمان تشریع رمی تا کنون در آن نشانه ها که خوردن حصات و ریگها به آنها لازم بوده و هست تغییراتی از جهت اندازه در آنها ایجاد گردیده است، و هیچ ردع و منعی در روایات و

عبارات اصحاب از آنها نشده است.

﴿ مسئله ۷۶ ﴾ موالات در جمرات سه گانه معتبر نیست، یعنی مثلاً می تواند جمره اولی را در صبح رمی کند و جمره وسطی را در ظهر و جمره عقبه را قبل از غروب، ولی در رمی هر یک از جمرات موالات عرفیه لازم است.

﴿ مسئله ۷۷ ﴾ اگر کسی از رفت و آمد تا محل رمی، ولو با ماشین در تمام وقت در روز معذور باشد و در شب هم امکان رمی برای او نباشد، باید کسی را نایب بگیرد تا رمی را به نیابت از او در روز انجام دهد.

﴿ س ۷۸ ﴾ اگر کسی در روز عید نتواند قربانی کند و حلق یا تقصیر هم نکرده باشد، آیامی تواند در روز یازدهم با احرام رمی کند؟

ج - مانعی ندارد.

﴿ مسئله ۷۹ ﴾ محلّ قربانی کردن در حال اختیار باید در منی باشد و در جای دیگر کفایت نمی کند، ولی در صورت عدم امکان ذبح در منی، و در صورت ضرورت، قربانی کردن در مسلخ جدید که امروزه به نام «معیصم» نامیده می شود، مجزی است. بنابراین، قربانی کردن برای حج در شهرها و بلاد مجزی نیست و کفایت نمی کند.

﴿ مسئله ۸۰ ﴾ واجب است قربانی در روز باشد، حتی کسانی که معذور بودند و شب از مشعر کوچ کرده اند و رمی جمره عقبه را شبانه انجام داده اند، قربانی نمودن در شب حتی از آنها هم مجزی نمی باشد، چون ذبح در شب مورد نهی و کراهت مولوی است، «والعبادة لا تجتمع مع النهی والکراهة لما بينهما من التناقی و ماتری من صحة

الصوم يوم عاشورا او الصلاة في الحمام مثلاً فانما تكون من جهة حمل النهي في امثالهما مما تعلق بخصوص العبادة على اقلية الثواب ارشادا جمعاً بين النهي المتعلق به وعبادته وهذا بخلاف مثل الذبح ممّا تعلق النهي به على اطلاقه فلا يصحّ منه الذبح العبادي لما مرّ من عدم الاجتماع ولا وجه لحمل ذلك النهي على الارشاد لعدم الاجتماع في الثبوت كما لا يخفى فتدبر جيداً نعم تكون التضحية ليلاً مجزية للجاهل القاصر بالمسألة لانتفاء شرطية النهار ومانعية الليل عنه قضاءً لحديث الرفع وغيره من ادلة البرائة الشرعية».

﴿مسئله ۸۱﴾ لازم نیست خود انسان ذبح کند و جایز است شخص در قربانی به دیگری نیابت بدهد و نایب باید در موقع ذبح نیت کند، و اقوی آن است که خود شخص هم اگر هنگام ذبح در محل ذبح می باشد، نیز نیت نماید.

﴿مسئله ۸۲﴾ خروج از احرام نسبت به غیر از بوی خوش و زن ظاهراً به بیش از رمی و حلق - که مفصلاً در مسئله ۷۱ گذشت - نمی باشد، نتیجتاً محرم با انجام رمی و حلق از همه محرمات احرام - بجز بوی خوش و کامجویی از زن - خارج می شود.

﴿س ۸۳﴾ بعضی از محله های جدید مکه، در منی ساخته شده است. آیا در آنجا می توان قربانی نمود یا خیر؟

ج - اگر در منی است و منع قانونی ندارد، مانعی ندارد، ولی بدون احراز اینکه در منی است صحیح نیست، کما اینکه با منع قانونی هم، کفایت قربانی محل اشکال است.

﴿ مسئله ۸۴ ﴾ کسی که سال اول حج او است و «صروه» می باشد، مخیر است بین حلق (سر تراشیدن) و تقصیر، ولی افضل این است که سر تراشیدن را اختیار کند.

﴿ مسئله ۸۵ ﴾ احتیاط آن است که تقصیر و یا حلق در روز عید باشد، اگرچه جواز در تأخیر آن تا آخر ایام تشریق^۱ بعید نیست، بلکه تا ایامی که غیر اعمال منی از اعمال حج رami توان به جا آورد و انجام حلق یا تقصیر در شب هم صحیح است و کفایت می کند.

﴿ مسئله ۸۶ ﴾ شخص محرم نمی تواند قبل از اینکه خودش حلق و یا تقصیر کند، سردیگری را بترشد و یا تقصیر نماید، چون ازاله موی دیگری قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست، ولو برای تقصیر و حلق.

﴿ مسئله ۸۷ ﴾ بر کسی که حج به جامی آورد، واجب است در منی بیتوته کند، «یعنی شب یازدهم و دوازدهم ماه ذی حجة را در منی بماند»، و بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اول یا نیمه دوم شب واجب تخییری است لذا اگر کسی نیمه دوم را در منی بیتوته کند مجزی است. و اگر کسی در غیر منی از روی علم و عمد بیتوته نماید باید برای هر شب یک گوسفند به عنوان کفاره بدهد و در ضمن معصیت هم نموده است. و در ضمن نحوه محاسبه نیمه شب برای بیتوته در منی از غروب آفتاب تا طلوع فجر است.

۱. روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجة.

«مسائل متفرقه»

﴿مسئله ۸۸﴾ اقامه نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی به حکم تقیّه مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز مؤمنین از مسجدین خارج نشوند تا سبب انگشت نما گشتن و وهن مذهب نگردد.

﴿مسئله ۸۹﴾ در مسجد النبی سجده روی فرشهای مسجد، به حکم تقیّه مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه ای باشد که خلاف بین مسلمین نباشد و موجب وهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است.

﴿مسئله ۹۰﴾ تخییر بین قصر و اتمام در تمام شهر مکه و مدینه جاری است و اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

﴿مسئله ۹۱﴾ با توجه به اینکه استتار قرص برای خواندن نماز مغرب کافی است، بنابراین، شرکت در نماز جماعت و مراسم افطار اهل سنت صحیح است و کفایت می کند.

﴿س ۹۲﴾ قرآنهايي که وقف مسجد الحرام یا مسجد النبی و یا سایر مساجد می باشد، آیا حجاج و زائران می توانند آنها را جهت خواندن در منزل یا هتل به همراه خود بیاورند؟
ج - جایز نیست.

﴿مسئله ۹۳﴾ برداشتن مقداری سنگ از کوه صفا و مروه، ولو

فوق العاده هم کم باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر قرار داده، پس هرگونه تصرفی در آنها - غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی زده - حرام است و تصرف در شعائر الله است.

﴿ مسئله ۹۴ ﴾ چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقیلی از مطهرات است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجد الحرام که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می نمایند، بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه اش از بین رفت، محکوم به طهارت است و پاک می باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است.

﴿ مسئله ۹۵ ﴾ وضو گرفتن از ظرفی که مخصوص آشامیدن (در مسجد الحرام و مسجد النبی) می باشد، جایز نیست و صحیح نمی باشد و وضو با آنها باطل است.

﴿ مسئله ۹۶ ﴾ تحیت مسجد الحرام همان طور که شهید اول رحمته الله علیه فرموده اند، طواف خانه خدای باشد.

﴿ مسئله ۹۷ ﴾ مسافر می تواند برای خواستن حاجت سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد، اگرچه روزه قضا بر عهده او باشد و نمی تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب، روزهای چهارشنبه و پنج

شنبه و جمعه باشد.

﴿مسئله ۹۸﴾ نماز طواف مستحبی حکم بقیة نمازهای مستحبی را ندارد و حتی نشسته هم نمی توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.
﴿مسئله ۹۹﴾ گاهی در مسجد الحرام و مسجد النبی کفشهای انسان گم می شود، ولی در بیرون از مسجد یا در کنار حجر اسماعیل (علیه السلام) کفشهای فراوان روی هم ریخته می شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

﴿س ۱۰۰﴾ کسانی که بنا بر فتوای جناب عالی بر تقلید از مجتهد میت باقی مانده اند:

۱. آیا جواز بقا مختص به مسائل عمل کرده می باشد، یا در مسائلی که عمل هم نکرده باشند، بقا جایز می باشد؟
 ۲. آیا مسائل عمل کرده را می توانند به جناب عالی رجوع کنند؟
 - ج ۱ - بقای بر تقلید از میت هر چند در مسائلی که به آن عمل نکرده، همانند مسائلی که به آن عمل نموده، جایز می باشد.
 - ج ۲ - چون بقا مطلقاً جایز است، پس رجوع هم مطلقاً، حتی در مسائلی که عمل کرده اند، جایز است.
- ﴿س ۱۰۱﴾ حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میت باقی است، چیست؟

ج - اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته اش صحیح

است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

﴿س ۱۰۲﴾ برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده اند تا در حرم مطهر نبوی ﷺ یا قبور مطهر ائمه بقیع ﷺ بریزیم، با توجه به اینکه ریختن پول و جواهرات در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این هدایا را با خود برگردانند، آیامی توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟
ج - می توانند به فقرای زائر یا فقرای شیعه که در آنجا هستند بدهند.

﴿مسئله ۱۰۳﴾ رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسلهای واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد و بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرم امامان ﷺ توقف کند ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۰۴﴾ پولی که برای حج واجب واریز می کنند، چنانچه از درآمد همان سال ثبت نام کرده باشند، خمس ندارد، هر چند سالهای بعدنویشان بشود، اما اگر پول واریز شده متعلق خمس بوده مثل اینکه از سرمایه غیر مخمس شده برداشته اند یا از پولی که سال بر آن گذشته سپس واریز کرده اند، باید خمس آن را بدهند هر چند در همان سال ثبت نام به حج مشرف شوند.

﴿س ۱۰۵﴾ کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در مسجد الحرام و مسجد النبی نماز می خواند با توجه به این که نمی تواند مهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد چگونه باید سجده کند؟

ج - در این مورد با اشاره سجده کند.

﴿س ۱۰۶﴾ در نماز جماعت مسجد الحرام اتصال صفوف برقرار نیست، ۱- آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقدار که آنان نماز را صحیح می دانند کافی است مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان در بعضی مواقع وجود ندارد؟ ۲- آیا خواندن نماز در مسجد الحرام به نحو استداره به طوری که رو در روی امام جماعت و یا در طرفین او ایستاده باشد صحیح است؟

ج ۱ - همانطور که نماز را آنها صحیح می دانند و به آن گونه نماز بخواند کفایت می کند.

ج ۲ - نمازش مجزی است.

﴿س ۱۰۷﴾ فاصله بین مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منی، کمتر از مسافت شرعی است، در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منی می رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می کند نماز او در عرفات و مشعر و منی و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟

ج - در صورتیکه شخصی بعد از قصد و اقامت ده روز به عرفات برود و یا اینکه قصد اقامت ده روز در مکه نمود و

بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکه
منصرف شد و به عرفات رفت نمازهای او در عرفات و مشعر
و منی و در رفتن و برگشتن تمام است.

﴿مسئله ۱۰۸﴾ کسی که می خواهد از مدینه با نذر محرم شود
صبغة نذر این است که بگوید: «لِلّٰهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنَ الْمَدِينَةِ».
یا به فارسی بگوید: «برای خدا بر من است که از مدینه محرم
شوم».

﴿س ۱۰۹﴾ گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح روز
جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره های سجده دار^۱ را می خواند و
نمازگزاران در اثنای قرائت مانند اهل سنت به سجده می روند و بر
می خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟ و نیز اگر اشتهاها و بخیال
اینکه امام جماعت به رکوع رفته رکوع نماید و بعد متوجه شود که
رکوعش زیاده و امام جماعت در آن وقت به سجده رفته بوده تکلیف
نمازش چیست؟

ج - با توجه به اینکه زیادی یک سجده از راه جهل به مسأله
(که ظاهراً هم همان مورد سؤال است) و یا از راه تبعیت،
مضرّ به صحت و درست بودن نماز نمی باشد، نمازش صحیح
است و اعاده و قضا ندارد. آری زیاده دو سجده در یک

۱. سوره های سجده دار عبارت اند از: ۱- سوره سی و دوم (سجده)، ۲- سوره چهل
و یکم (فصلت)، ۳- سوره پنجاه و سوم (نجم)، ۴- سوره نود و ششم (علق).

رکعت موجب بطلان می باشد. و ناگفته نماند که حکم اولی شنیدن آیه سجده با قطع نظر از مسأله متابعت در صورت استماع باید ایماً سجده کند و بعد از نماز، سجده را اعاده نماید، و زیادی رکوع در فرض سؤال مضرّ به نماز نمی باشد و نماز وی صحیح است.

﴿س ۱۱۰﴾ افرادی که به مکه یا مدینه مسافرت می کنند اگر قصد ماندن ده روز را ندارند، آیا می توانند نوافل نمازهای یومیه را بخوانند؟
ج نمی توانند، چون تخییر در نماز ظهر و عصر و عشا در اماکن تخییر، یک حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.